

Feasibility of Monetary Compensation for the Victim in the Case of Mistake in Determining o Punishment (from Jurisprudential and Legal Viewpoints)

Mokhtar Fatahi¹, Ahmad Fallahi^{2*}, Tayyebeh Bizhani Mirza³

1. PhD student of Criminal Law and Criminology, Department of Criminal Law and Criminology, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 185-202

Article history:

Received: 6 May 2023

Edition: 26 Jun 2023

Accepted: 1 Sep 2023

Published online: 9 Sep 2023

Keywords:

Judge Mistake, reinstatement, material damage, moral damage.

Corresponding Author:

Ahmad Fallahi

Address:

Iran, Kurdistan, University of Kurdistan, Faculty of Humanities and Social Sciences, Department of Criminal Law and Criminology.

Orchid Code:

0009-0004-4740-8385

Tel:

087-33664600

Email:

a.falahi@uok.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Judges make mistakes in the issuance or the sentence or in rendering of judgment and according to the Article 171 of Constitution, they cause material or moral spiritual harm to innocent people. In the case of fault, the judges are obliged to compensate the damage and if there is no fault, the government is obliged to compensate the damage. In any case, restoration of prestige must be claimed from the accused. Therefore, the purpose of present study is to assess the feasibility of compensation.

Materials and Methods: This is descriptive analytical article and has investigated the issue using the library method. Ethical **Ethical Considerations:** In present study, the principles of text originality, honesty and trustworthiness have been observed.

Finding: Compensation is of spiritual, material, and possible benefit type. Previously, there was ambiguity regarding financial compensation. Such as compensation in the preliminary stage and proof of fault. But now the new Code of Criminal Procedure has approved this matter.

Conclusion: Given the present ambiguity in compensation caused by judge mistake, the unified judicial precedent No 791 was formed and it can be concluded that not only in preliminary stage but also in a stage of determining the punishment, the judge does not take responsibility for compensation for the damage caused by mistake.

Cite this article as:

Fatahi M, Fallahi A, Bizhani Mirza T. Feasibility of Monetary Compensation for the Victim in the Case of Mistake in Determining o Punishment (from Jurisprudential and Legal Viewpoints). *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



دوره پنجم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۲

امکان سنجی جبران خسارت مالی بزه دیده در صورت اشتباه در تعیین مجازات

مختار فتاحی^۱، احمد فلاحی^{۲*}، طیبه بیژنی میرزا^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

اطلاعات مقاله

چکیده

زمینه و هدف: قضاات در موضوع یا حکم یا در تطبیق حکم دچار اشتباه می‌شوند و بنابر اصل ۱۷۱ قانون اساسی، ضرر مادی یا معنوی را متوجه افراد بی‌گناه می‌کنند. در صورت تقصیر، قاضی موظف است جبران خسارت کند و اگر تقصیر نداشته باشد، دولت مکلف به جبران خسارت است. به‌رحال باید از متهم اعاده حیثیت شود. هدف از انجام این پژوهش امکان‌سنجی خسارت مالی توسط قاضی است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات با به‌صورت کتاب‌خانه‌ای بوده است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش اصالت متون، امانت‌داری و صداقت رعایت شده است.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۸۵-۲۰۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸

واژگان کلیدی:

اشتباه قاضی، اعاده به‌وضع سابق، خسارت مادی، خسارت معنوی.

نویسنده مسئول:

احمد فلاحی

آدرس پستی:

ایران، کردستان، دانشگاه کردستان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

کد ارکید:

0009-0004-4740-8385

تلفن:

۰۸۷-۳۳۶۶۴۶۰۰

پست الکترونیک:

a.falahi@uok.ir

۱. مقدمه

یک قاضی متعارف در جامعه سنجیده شود، اما قاضی مصونیت قضایی نسبت به رفتار خود ندارد و کسی که مدعی است که قاضی از حدود اختیارات تجاوز کرده است و از این رهگذر خسارتی بر بزه‌دیده وارد شده است، این حق را برای بزه‌دیده ایجاد می‌کند که جبران خسارت را مطالبه کند (ابهری، ۱۳۹۰، ۵۸). در نتیجه این پرسش مطرح می‌شود که آیا امکان مطالبه خسارت مالی از قاضی که در تعیین مجازات اشتباه کرده است، وجود دارد؟

در زمینه پیشینه موضوع می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد. عزیزالهی و همکاران (۱۳۹۷)، مبانی فقهی جبران خسارت از سوی حکومت در خطای قاضی بررسی کرده‌اند و با استناد به دیدگاه فقها و حقوق‌دانان چارچوب نظری درباره موضوع و هفت پیشنهاد برای بهبود وضعیت موجود ارائه کردند.

چنارستان و جمادی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای، مسئولیت و مصونیت قاضی اشتباه قاضی و جبران خسارت در حقوق کیفری ایران را بررسی کرده‌اند. طبق نتایج این پژوهش، اگر شخص قاضی فاقد شرایط تقصیر باشد و بدون قصد سوءنیت و به‌طور سهو اشتباهی از او سر بزند هیچ مسئولیتی متوجه وی نیست و دولت باید در صدد جبران ضرر و زیان‌های ناشی از این اشتباه برآید. به‌دلیل اینکه شخص قاضی قصد ایراد ضرر و زیان را نداشته است و صرفاً در حال انجام

قضاوت موضوعی بسیار با اهمیت است؛ زیرا قاضی با جان و مال مردم مواجه است. ممکن است در مراحل مختلف قضاوت، یک قاضی به‌واسطه صدور رأی، خسارت‌هایی به فرد متهم وارد کند. خسارتی که به فرد بزه‌دیده وارد می‌شود شامل خسارت‌های توقیف غیر قانونی، صدور احکام غیر قانونی برای توقیف اموال و تعیین مجازات‌های اشتباه می‌شود. بنابراین منصب قضا نیازمند قواعد خاصی است که در قواعد اختصاصی نظیر قانون نظارت بر رفتار قضات، این موضوع با خلأ مواجه است. در این قانون به جبران خسارت ناشی از اشتباه قاضی توجه شده است؛ اما در عمل بر اساس این قواعد هیچ قاضی‌ای محکوم نشده است. در قوانین آئین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی نیز به موضوع مذکور توجه شده است؛ اما این قوانین ابهاماتی داشته‌اند. گاه قضات در تعیین مجازات دقت و توجه لازمه را نداشته‌اند که می‌تواند این موضوع ناشی از عدم درک صحیح از دعوای مطروحه باشد. بنابراین سبب مسئولیت مدنی و انتظامی برای قضات می‌شود. «استقلال قاضی ایجاب می‌کند که شرایط و ارکان مسئولیت طرح دعوی علیه او با قواعد عام مسئولیت و تعقیب تفاوت داشته باشد» (شمس، ۱۳۹۱، ۱۶۳).

مسئولیت مدنی قاضی را نمی‌توان بر اساس معیارهای متعارف جامعه در نظر گرفت؛ زیرا ضرورت‌های ویژه امر قضا می‌طلبد که رفتار یک قاضی خاطی با رفتار

۱۷۱ قانون اساسی است. در قانون آئین دادرسی کیفری نیز دربردارنده ابهاماتی بوده است که حال در قانون جدید بازداشت‌های غیر قانونی و اشتباهی مورد بازنگری قرار گرفته است. مستندات قانون آئین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۵۵ و ماده ۱۴ بیان می‌کند شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند و دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طریق الزام به عذرخواهی حکم کند که با توجه به این مستندات قانونی می‌توان بیان کرد که امکان مطالبه خسارت مالی از قاضی در مرحله تعیین صدور حکم وجود دارد. مستند قانونی دیگری که برای امکان مطالبه خسارت وجود دارد، رأی وحدت رویه ۷۹۱ است که در این رأی وحدت رویه، رسیدگی به دعوی خسارت ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی در مرحله صدور حکم بیان شده است. اما در این پژوهش با استناد به موارد قانونی مذکور می‌توان امکان‌سنجی مطالب خسارت مالی را بررسی کرد.

۵- بحث

در این قسمت مفاهیم و یافته‌های تحقیق مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. انواع خسارت ناشی از آرای قاضی

خسارت ناشی از اشتباه قاضی بر دو نوع است:

۵-۱-۱. خسارت مادی

وظیفه بوده است؛ نداشتن مسئولیت او امری منطقی است.

نوآوری پژوهش حاضر در این نکته است که پژوهش‌های پیشین در زمینه خسارت‌های معنوی و یا درباره اشتباه قاضی در مراحل مقدماتی بوده است؛ اما در این پژوهش مطالبه خسارت مالی در مرحله تعیین مجازات مد نظر است.

۲. مواد و روش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که پس از جمع‌آوری اطلاعات مستندات فقهی و گردآوری در این باره، داده‌های گردآمده تحلیل و دسته‌بندی می‌شوند و در چارچوب مشخصی تعریف و عرضه شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در نگارش این مقاله، رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از این است که در سال‌های اخیر برای مطالبه خسارت از قاضی خاطی ابهامات زیادی وجود داشته است. مستندات مطالبه خسارت در ابتدا اصل

لنگرودی، ۱۳۹۵، ۲۶۲) تعریف خسارت معنوی از نظر دکتر صفایی عبارت است از: «کاهش آبرو یا اعتبار افراد و یا ایراد لطمات روحی. به دیگر سخن ضرر و زیان معنوی به خسارتی اطلاق می‌شود که به آبرو، حیثیت، احساسات و عواطف فرد ایراد گردیده باشد. تعدی به حقوق غیر مالی انسان حتی آسیب رساندن به احساسات دولتی، خانوادگی و مذهبی و همچنین آلامی که در اثر وقوع یک اتفاق متوجه فرد می‌گردد در حال حاضر می‌تواند جوازی جهت درخواست جبران ضرر و زیان معنوی محسوب شود» (صفایی، ۱۳۵۵، ۲۴۰).

آنچه تا کنون مورد بحث قرار گرفت اقسام ضرر و زیان‌های قابل مطالبه از سوی شخص زیان‌دیده بود که عامل به‌وجود آورندهٔ آن اقدامی بزه‌کارانه یا فاقد اوصاف بزه‌کارانه بوده است و به‌وسیلهٔ افراد حاصل شده است. وای موضوع مورد بحث پژوهش حاضر دربارهٔ ترمیم خسارات ایرادشده در نتیجهٔ صدور احکام قضایی ناشی از اشتباه است و به‌منظور کامل کردن مباحث پیشین لازم به ذکر است که ترمیم خسارات مادی و معنوی ناشی از اشتباه قاضی ذیل اصل ۱۷۱ از قانون اساسی و مادهٔ ۱۳ از قانون مجازات اسلامی به‌صراحت مورد پذیرش قرار گرفته است و این تصریح به‌موجب مادهٔ ۱۴ از قانون آئین دادرسی محاکم عمومی و انقلاب در امور کیفری راه را بر بروز هر نوع ابهامی در راستای تقاضای جبران خسارات معنوی بسته است. چنان‌که اصل ۱۷۱ از قانون و مادهٔ

خسارت می‌تواند به‌صورت مادی یا معنوی باشد. خسارت مادی یعنی خسارتی که به جسم فرد وارد می‌شود و یا اینکه اموال شخص را مورد هدف قرار می‌دهد. «زیانی است که در نتیجهٔ از بین رفتن اعیان، اموال (مانند سوختن خانه و کشتن حیوان) یا کاهش ارزش اموال (مانند احداث کارخانه‌ای که از بهای املاک مجاور بکاهد) و مالکیت معنوی (مانند صدمه رساندن به شهرت، نام تجاری و علامت صنعتی) یا از بین رفتن منفعت و حق مشروع به شخص می‌رسد» (کاتوزیان، ج ۲، ۱۴۰۲، ۱۴۲). در نتیجه خسارت مادی به خسارتی اطلاق می‌شود که به جسم یا مال کسی ایراد می‌شود و کاهش حقوق مالی و منافع قانونی شخص را در پی دارد.

ضرر و زیان‌های مادی می‌تواند اعم از ضررهای وارد بر جان، مال و عدم‌المنفع باشد. تعریف عدم‌المنفع عبارت است از: «ممانعت از وجود پیدا کردن منفعتی که مقتضی آن حاصل شده است؛ مانند توقیف غیر قانونی شاغل به کار که موجب حرمان او از گرفتن مزد شده باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶، ۴۴۵). در فقه نیز عدم‌المنفع مورد پذیرش قرار گرفته و مثل جبران اضرار واردهٔ مستقیم بر جان و مال، ترمیم این نوع خسارت نیز واجب شده است.

۵-۱-۲. خسارت معنوی

خسارت معنوی به خسارتی اطلاق می‌شود «که شامل آبرو، شرافت و حیثیت فرد و یا بستگان وی - که نهایتاً متوجه وی گردیده باشد» (جعفری

اگر قصور و تخلف قاضی در اصدار حکم اشتباه در محکمه عالی انتظامی قضات به اثبات نرسد، دادخواست مطالبه خسارت باید به طرفیت شخص دادستان زیر عنوان حافظ منافع عموم بالتبع حافظ منافع بیت‌المال ارائه شود و چنانچه شخص زیان‌دیده قادر به اثبات ارتباط سببیت میان صدور حکم اشتباه و خسارت ایراد شده باشد، امکان محکومیت قاضی صادرکننده حکم اشتباه (در صورت احراز قصور او) یا بیت‌المال (در صورت عدم قصور قاضی) بر اساس قوانین وجود خواهد داشت (غمامی، ۳۷۶، ۲۲).

۵-۲. جبران خسارت در متون فقهی

در فقه شیعه (امامیه) به جای مسئولیت مدنی، از واژه ضمان و تضمین استفاده شده است و «ضمان» یعنی ثبوت اعتباری چیزی در ذمه کسی به حکم شارع و هدف اصلی ایجاد مسئولیت و ضمان اشخاص از جمله قاضی، جبران زیان‌های وارده به طریق مقتضی است. از مجموع مقررات و قواعد شرعی مانند لاضرر، تسبیب و اتلاف و اظهار نظر فقهای امامیه در باب غضب و... بر می‌آید که موازین شرعی و فقه امامیه، بر حرمت ضرر رساندن به دیگران تأکید داشته است و در صورت ایراد زیان، عامل ورود زیان را به جبران خسارت ملزم کرده است. تا از این رهگذر وضع سابق شخص زیان‌دیده با رد عین (در صورت بقا)، مثل (اگر مال مورد نظر مثلی باشد) یا پرداخت بهای مال (قیمتی)، اعاده شود.

۱۳ از قانون مجازات اسلامی دو فرض را در مسئله ضمان مورد توجه قرار داده است:

۱. قاضی در صدور رأی اشتباه و ایراد خسارت به-عنوان مقصر شناخته شود که در چنین حالتی خود وی شخصاً ضامن جبران ضرر و زیان است.

۲. قاضی در صدور رأی که ناشی از اشتباه بوده است به‌عنوان مقصر شناخته نشود؛ برای مثال اشتباه در نتیجه استنباط از قانون صورت گرفته باشد. در چنین حالتی جبران ضرر و زیان به وسیله بیت‌المال انجام می‌شود.

وجود ارتباط سببیت میان اصدار حکم ناشی از اشتباه و خسارت ایرادشده در هر دو حالت باید ثابت شود. به‌منظور تعریف تقصیر و نحوه احراز آن در اصدار حکم اشتباه لازم به ذکر است که تقصیر در لغت به معنای پرهیز از انجام کاری علی‌رغم توانایی صورت دادن عمل مزبور است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ۱۷۵). با امعان نظر به اماره تخصص قاضی در صدور آرای قضایی می‌توان چنین بیان داشت که قاضی در آن صورت مسئول ترمیم ضرر و زیان وارده است که نخست قصور او در صدور رأی مبنی بر اشتباه محرز شود و رسیدگی به این مسئله در حیطه صلاحیت دادسرا و محکمه انتظامی قضات است تا در صورت احراز تخلف و محکوم شدن قاضی بدین لحاظ شخص زیان‌دیده بتواند به استناد رأی مذکور و مطابق با مقررات قانونی و طرح دعوی حقوقی در محکمه ذی‌صلاح، ضرر و زیان خویش را طلب کند.

قطع عضو اشتباه کنند دیه بر عهده بیت‌المال است (شیخ حر عاملی، ج ۱۸، ۱۴۱۰، ۱۶۵).

۲. اگر قاضی دچار اشتباه شود و در نتیجه اشتباه وی خسارتی به دیگری وارد شود مانند اینکه به نفع کسی به مالی و یا ضرر کسی به قصاص و مانند آن حکم کند آن‌گاه معلوم می‌شود که در حکم به خطا رفته است ولی در اجتهاد مقصر نبوده است، ضامن نیست. چون محسن است ضامن بر عهده بیت‌المال است (نجفی، ج ۴، ۱۴۲۳، ۷۹).

۳. هرگاه خطای قاضی در حکمی که صادر کرده است روشن شود حکم مزبور نقض می‌شود. در این صورت هرگاه به حکم مزبور عمل نشده باشد اشکالی ندارد؛ ولی اگر عمل شده باشد یا حکم ناظر به قتل یا قطع عضو باشد و قاضی در صدور حکم مقصر نباشد به‌طور حتم قصاص بر او نیست و دیه مقتول به استناد خبر اصبع بن نباته از بیت‌المال پرداخت خواهد شد. چنانچه محکوم‌له از فساد دعوی خود آگاه بود و برخلاف این آگاهی طرح دعوی کرده باشد قصاص و ضمان بر محکوم‌له است. هرگاه مورد حکم مال باشد، چنانچه مال محکوم‌به موجود باشد به صاحبش مسترد می‌شود و اگر تلف شده باشد اگر محکوم‌له آن را دریافت کرده و نزد او تلف شده باشد ضامن آن خواهد بود و اگر محکوم‌له، محکوم‌به را به دلیل عدم دسترسی به آن مال دریافت نکرده باشد و عالم به فساد دعوای خود نباشد اختلاف نظر است. برخی معتقد هستند که آن مال از بیت‌المال پرداخت

شهید اول در مبحث غضب در شیوه جبران خسارت غضب می‌گوید: «تا وقتی عین غضب شده باقی است، واجب است آن را به مالکش بازگرداند، اگرچه بازگرداندن آن دشوار باشد یا هزینه‌ای برای غضب‌درب‌ر داشته باشد؛ و در صورت عدم امکان بازگرداندن آن، اگر مثلی باشد، غضب ضامن مثل آن خواهد بود و اگر قیمی باشد، غضب ضامن بالاترین قیمت آن از زمان غضب تا زمان تلف می‌باشد...» (عاملی، ج ۲، ۱۴۱۷، ۳۴۴).

در فقه امامیه اشاره شده است به اینکه درخواست مثل برای جبران خسارت یک نهاد ارفاقی نسبت به مالک است. «شخص... که ضمان بر وی مستقر می‌گردد، مادام که عین آن باقی است ملزم به رد آن است، نه غضب می‌تواند از رد عین خودداری کند و مال دیگری را به جای آن به صاحب مال پرداخت کند، و نه صاحب مال می‌تواند غضب را به پرداخت پول یا تسلیم مال دیگر ملزم سازد...» (محقق داماد، ۱۳۷۰، ۱۶۹). بر این اساس، می‌توان گفت، هرچند که در مورد ضمان قاضی و شیوه‌های جبران خسارت ناشی از عمل زیان بار او، به صراحت در فقه امامیه مطلبی به میان نیامده است؛ اما با توجه به مالک و معیار ذکرشده، پرداخت قیمت نیز همچون رد عین یا مثل، به‌عنوان طریقه و روشی از شیوه‌های جبران خسارت، می‌تواند در زمان پرداخت زیان ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی به کار آید.

۱. «ما اخطات القضاة فی دم او قطع فهو علی بیت مال المسلمین» اگر قضاة در صدور حکم خون و

ناشی از خطا و اشتباه قاضی باید از ناحیه دولت به شخص زیان‌دیده، پرداخت شود.

از روایت مذکور که با مضمون و مفهومی واحد و در عین حال با تفاوتی اندک در بعضی از کلمات و الفاظ، در آثار عده‌ای از فقهای امامیه آمده است، پیداست که اصولاً خطای قاضی موجب مسئولیت مدنی او نخواهد بود، حتی اگر خطای مذکور در «ذم یا قطع» باشد. پس آنچه از نظر فقهای امامیه ضمان قاضی را فراهم خواهد ساخت، فقط تقصیر قاضی است یعنی در اعمالی که عالماً عامداً صورت پذیرد و به طور متعارف، کسی مرتکب آن نمی‌شود.

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، با توجه به طبیعت کار قضا که البته مستلزم اختلاف در استنباط و اظهار نظر قاضی در مسائل و موضوعات است، وقوع خطا و اشتباه قاضی امری غیر عادی نیست و اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین تحمل خسارت ناشی از هر فعل زیان‌بار به آنانی که به هر تقدیر به عنوان قاضی، بار سنگین و طاقت‌فرسای این مسئولیت خطیر را بر دوش کشیده‌اند، نه تنها منصفانه و عادلانه نیست، بلکه با واقعیت‌های عملی و مشهود نیز مطابقت ندارد؛ و شاید با همین دیدگاه و بر همین اساس باشد که فقهای امامیه با بهره‌گیری از احادیث و روایات منقول از معصومین (ع)، آن‌گونه در خصوص «ضمان قاضی» اظهار نظر کرده‌اند که گویی هیچ مغایرتی با نظر مقنن که در اصل ۱۷۱ قانون اساسی آمده است، ندارد و به همین دلیل است که به‌درستی در جوامع گوناگون، به‌خصوص جامعه قضایی اظهار می‌شود که

خواهد شد که این عقیده خالی از اشکال نیست؛ زیرا خبر اصبع بن نباته در مورد خطای در خون و قطع عضو است. در این صورت محکوم له ضامن نیست؛ چون مال را تصرف نکرده است و قاضی به دلیل آن شرعاً مأذون در امر قضا است و مفروض است که مرتکب جرم و تقصیر نشده است؛ پس ضامن محسوب نمی‌شود (طباطبایی، ج ۳، ۱۳۳۹، ۲۹-۲۷).

همان‌گونه که در مبحث مربوط به مبانی مسئولیت مدنی قاضی در فقه امامیه، یعنی در قواعد لاضرر، اتلاف و تسبیب به اختصار آمده است، از احادیث و روایات منقول از ائمه معصومین (ع) که قبلاً مورد تبیین، تشریح و تحلیل قرار گرفته و در آثار فقهای امامیه (وسایل الشیعه، جواهر الکلام و ...) نقل شده‌اند، به خوبی استنتاج می‌شود که افعال و اعمال زیان‌بار قاضی، یا مولود (تقصیر) او و یا ناشی از (خطا) و اشتباه وی خواهد بود. اگر فعل زیان‌بار اثر مستقیم تقصیر قاضی باشد، شخص زیان‌دیده خسارت را از قاضی مقصر مطالبه می‌کند؛ زیرا در این صورت، صرفاً شخص قاضی مسئولیت مدنی دارد. اما چنانچه خسارت وارده ناشی از اشتباه یا خطای قاضی باشد، زیان‌دیده باید جبران آن را از دولت بخواهد (نجفی، ج ۶، ۱۴۳۲، ۳۱۵). زیرا بنا بر قول حضرت علی (ع): «اگر قضا در امر قضاوت (مربوط به جان و اعضا) دچار خطا شوند، جبران ضرر بر بیت‌المال است...» (طوسی، ۱۳۹۰، ۲۶۰). در نتیجه خسارت

است (خوانساری، ۱۴۰۵، ۲۸۵). افزون بر اینکه وقتی لزوماً دعوای مطالبه خسارت به طرفیت دولت اقامه می‌شود، خواهان باید ثابت کند که بین فعل یا اشتباه آن کسی که مسئولیت اشتباهاتش بر عهده خواننده (دولت) است، قاضی خاطی با خسارت وارده یا خسارت، رابطه علیت حاکم است. یعنی باید اثبات شود که این خسارت مولود همان خطا و اشتباهی است که قاضی ساهل و خطاکار مرتکب شده است (خویی، بی‌تا، ۳۶۶).

با توجه به محور این بحث (شیوه جبران خسارت ناشی از عمل زیان‌بار قاضی) و دقت در اظهارات مکتوب صاحب‌نظران فقهی و حقوقی و مراتب مذکور، می‌توان گفت که جبران خسارت زیان‌دیده به دو شکل میسر است و ممکن است به یکی از دو صورت زیر اتفاق بیفتد: ۱. برگرداندن وضع زیان‌دیده به حالت پیشین؛ ۲. جبران زیان از راه پرداخت مبلغی پول.

۵-۳. جبران خسارت در حقوق ایران

هدف از مسئولیت مدنی شخص مسئول یا مقصر از جمله شخص قاضی، اعاده وضع فرد زیان‌دیده به حالت اول است و از مالک مواد مربوطه در قانون مدنی (ماده‌های ۳۱۱ و ۳۱۲) به خوبی پیدا است که هرگاه اعاده وضع به حالت قبل از توجه ضرر به زیان‌دیده، در عمل ناممکن باشد، اعمال این شیوه، به عنوان بهترین راه جبران خسارت وارده از اولویت برخوردار است. با التفات به مفاد ماده ۱۳ قانون مسئولیت مدنی در بعضی از مواقع، اعاده وضع به حال

قانون ما به شدت از حقوق اسلامی و فقه پویای شیعه متأثر است و متن مواد و مفروضات قانونی ما از عناصر و رنگ‌وبوی اسلامی و فقهی مشحون است. پرسشی که در این باره مطرح می‌شود این است که بر اساس منابع فقهی، با کدامین شیوه می‌توان و باید خسارت ناشی از عمل زیان‌بار قاضی را جبران کرد و دیدگاه فقه امامیه در این باره چیست؟ در پاسخ، می‌توان گفت که در اینجا نیز، مطالبه خسارت از جانب زیان‌دیده، تابع اصول کلی است، یعنی پذیرش دعوای زیان‌دیده و اجابت خواسته وی، مستلزم وجود جمیع شرایط لازمی است که قبل مورد بررسی قرار گرفته‌اند و تکرار آن مطالب در اینجا فاقد ضرورت است. تنها یادآوری این نکته ضروری است که هرگاه خسارت وارده مولود تقصیر قاضی باشد، شخص قاضی مقصر، مسئولیت مدنی دارد و در نتیجه دعوای مطالبه خسارت باید توسط زیان‌دیده به طرفیت او (قاضی مقصر) اقامه شود. مشروط بر آنکه قبل از آن، تقصیر قاضی در مرجع قضایی ذی‌ربط یعنی دادگاه انتظامی قضات اثبات شده باشد. هرگاه زیان وارده ناشی از خطا و اشتباه قاضی باشد، آن‌گاه دعوای مطالبه خسارت باید به طرفیت دولت اقامه شود. البته در این صورت، اثبات خطای دولت نه تنها ضرورتی ندارد؛ بلکه فاقد وجهت نیز خواهد بود. زیرا در چنین شرایطی، اصولاً دولت فاعل فعل زیان‌بار نیست تا بتوان رابطه علیت بین فعل او و ضرر وارده را اثبات کرد؛ مگر اینکه گفته شود فرض بر این است که دولت با استخدام قاضی خطاکار، مرتکب تقصیر شده

سابق با از بین بردن کانون ضرر، امکان‌پذیر خواهد بود.

در حقوق کشور ایران بر اساس قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب سال ۱۳۹۰ و اساس‌نامه چگونگی بازرسی، نظارت و ارزش‌یابی رفتار و عملکرد قضات مصوب سال ۱۳۹۲ دادستان و محکمه عالی انتظامی قضات وظیفه رسیدگی به تخلفات قضات را بر عهده خواهند داشت. به موجب ماده ۷ از قانون مذکور، محکمه عالی و دادسرای انتظامی قضات به تخلفات همه قضاتی که به دستور رئیس قوه قضائیه به جایگاهی قضایی منصوب شده‌اند رسیدگی خواهد کرد. نیز بر اساس ماده اخیر، تخلفات اعضای محاکم عالی و عالی تجدیدنظر و دادستان به‌وسیله هیئتی متشکل از رؤسای شعب دیوان عالی کشور که با حضور دو سوم آن‌ها رسمیت پیدا می‌کند رسیدگی خواهد شد (موسوی فراز، ۱۳۹۵، ۹۱).

رسیدگی در این هیئت به اصدار کیفرخواست از طرف شخص دادستان کل کشور بستگی دارد. به تخلفات اداری قضایی که به هنگام انجام تخلف، سمت اداری داشته‌اند در محکمه عالی رسیدگی صورت می‌گیرد و رسیدگی به تخلفات انتظامی کسی که از شغل قضائی به شغل اداری انتقال پیدا کرده چنانچه تخلف به زمان تصدی او در شغل قضایی مربوط باشد هم در دادسرا انجام خواهد شد. رؤسای دادگستری مراکز استان‌ها مکلف‌اند که شکایات انتظامی مردم علیه قضات را اخذ کنند و بعد از به ثبت رساندن در دفتر مخصوص و ارائه رسید آن به شخص شاکی حداکثر

به مدت یک هفته آن را به دادسرای انتظامی قضات ارسال کنند. به بیان دیگر، هرگاه طرفین درباره میزان خسارت وارده و طریقه جبران آن، به نقطه تراضی و توافق نرسند آن‌گاه فرد زیان‌دیده می‌تواند با استناد به اسناد موجود و با تنظیم و تقدیم دادخواست حقوقی از دادگاه صالح صدور حکم مقتضی را آن‌گونه که متضمن جبران زیان وارده باشد درخواست کند و در آن صورت، دادگاه مربوطه باید وفق موازین قانونی اقدامات لازم را معمول داشته است و به وظیفه خویش در این باره عمل کند (اسدی، ۱۳۸۱، ۲۸).

جبران خسارت وارده، روش‌ها و طرقی دارد که در زیر به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۵-۳-۱. جبران خسارت وارده از طریق اعاده وضع به حالت سابق

هرچند گفته‌اند: «... اعاده وضع به صورت پیشین امکان ندارد...» (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۳۲۴) و «جبران زیان‌های وارد شده، به گونه‌ای که وضع زیان‌دیده به صورت پیشین خود برگردد ممکن نیست؛ زیرا زمان به گذشته بر نمی‌گردد...» (قاسم‌زاده، ۱۳۹۵، ۱۶۱).

اما با این حال، به قصد افزودن ارزشی نسبی و تقریبی به دارایی زیان‌دیده، و به اسم اعاده وضع به حال سابق (ولو اینکه رسماً میسر نباشد). در حد وسع اقدامات لازم به منظور جلب رضایت زیان‌دیده و جبران زیان او (در حد امکان) معمول می‌شود.

یکی از استادان حقوق در این باره می‌گوید: «جبران خسارت زیان‌دیده ممکن است به دو صورت انجام

پذیرد: ۱. برگرداندن وضع او به صورت پیشین خود، بدین معنا که ضرر وارد شده چنان تدارک شود که گویی از اصل زیان وارد نیامده است...» (کاتوزیان، ۱۳۹، ۳۲۴). حقوق دان دیگر نیز در مقام بیان شیوه‌های جبران خسارت، به «باز گرداندن وضع سابق» به‌عنوان شیوه‌ای از شیوه‌های مذکور اشاره داشته است و گفته است: «منظور از بازگرداندن وضع سابق، قرار دادن زیان دیده در موقعیتی است که گویا فعل زیان بار در مورد او یا اموالش انجام نگرفته است و اگر عامل زیان، مرتکب اقدام زیان بار نمی‌شد، او هم در آن موقعیت قرار می‌داشت» (داراب‌پور، ۱۳۹۷، ۲۲۵). در مورد ضرر مادی، مشکلی برای اعاده وضع به حالت سابق وجود ندارد. برای مثال اگر قاضی به صورت غیر قانونی دستور انسداد راه عبور متعلق به شخص را صادر کرده باشد و بعد تقصیر یا اشتباه او ثابت شود، بهترین شیوه جبران خسارت، افتتاح راه عبور به شیوه سابق و جبران زیان وارده ناشی از انسداد راه مذکور است. اگر خسارت وارده معنوی باشد، سؤال این است که آیا می‌توان وضع سابق را اعاده کرد؟ آیا به راستی دربارهٔ زیان معنوی، وضع سابق قابل اعاده است؟ هم‌چنین دربارهٔ مسئولیت مدنی قاضی، چنانچه قاضی بر اثر سهل‌انگاری یا تقصیر عمدی و بدون توجه به دلایل و مدارک موجود در پرونده، متهمی را به صورت غیر قانونی بازداشت کرده باشد، چگونه می‌توان رنج و تألم حاصل از بازداشت ناروا و غیر قانونی این شخص را جبران کرد؟ وقتی قاضی بدون وجود دلایل کافی بر توجه اتهام قتل عمد به

متهم پرونده، حکم قصاص برای او صادر می‌کند و متهم تا زمان اتخاذ تصمیم نهایی از مرجع بالاتر (دادگاه تجدیدنظر، دیوان عالی کشور) در اضطراب و پریشانی به سر می‌برد، چگونه می‌توان بعد از نقض حکم قصاص صادره در مرجع بالاتر، ضرر وارده بر متهم را جبران کرد؟ از این رو گفته می‌شود که در ضررهای معنوی جبران خسارت ممکن نیست و آنچه پرداخت می‌شود تسکین‌دهنده است؛ نه جبران‌کننده.

نگارنده نتیجه می‌گیرد که در مسئولیت مدنی ابتدا رد عین و اعاده به وضع سابق وجود دارد؛ زیرا با استرداد عین، زیان دیده در وضعیت قبل از زیان قرار می‌گیرد و این گونه اعاده به وضع سابق صورت می‌گیرد. حال اگر امکان رد عین وجود نداشت آن‌گاه نوبت به پرداخت خسارت می‌رسد. در نتیجه اگر قاضی در صدور احکام اشتباه کند، بر اساس قواعد مسئولیت مدنی انتظار می‌رود که فرد را به حالت پیش از صدور حکم بازگرداند که در بسیاری از ماقع این موضوع امکان‌پذیر نیست. به همین منظور امکان جبران خسارت توسط قاضی ایجاد می‌شود.

۵-۳-۲. جبران ضرر از طریق دادن معادل

جبران ضرر، از راه دادن معادل یا «بدل» نیز ممکن است و همین امر هم به دو صورت میسر خواهد بود: یکی از طریق دادن مثل و دیگری نیز با دادن بها یا پرداخت قیمت، البته جبران ضرر به طریقه دادن معادل، زمانی بایسته است که عین مال، تلف شده

با توجه به آنچه تاکنون در مورد جبران خسارت آمده است، می‌توان دریافت که در روش جبران خسارت زیان‌دیده باید روش جبران خسارت متناسب با ضرری باشد که به زیان‌دیده وارد شده است. به بیان دیگر، «باید بین روش جبران و ضرر وارده سنخیت عرفی برقرار باشد. در نتیجه، روش جبران هر خسارتی، با توجه به متعلق آن، متفاوت خواهد بود...» (باریکلو، ۱۴۰۱، ۲۱۲).

به نظر یکی از نویسندگان لزوم جبران خسارت از طریق دادن معادل بر اساس ماده ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی امکان‌پذیر است. ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی در این باره مقرر می‌دارد: «در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان‌دیده شده باشد، دادگاه، پس از رسیدگی و ثبوت امر، او را به جبران خسارت مزبور محکوم می‌کند و چنانچه عمل واردکننده زیان موجب یکی از خسارات مزبور باشد، دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده، محکوم خواهد نمود». ماده سوم همین قانون مقرر می‌دارد: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد...» (موسوی‌فراز، ۱۳۹۵، ۱۰۵).

با توجه به مراتب مذکور نگارندگان نتیجه گرفتند که خسارت‌های مادی که بر اثر تقصیر یا اشتباه قاضی متوجه افراد می‌شود، برحسب مورد، از طرف شخص قاضی مقصر (در مورد تقصیر) یا دولت (در مورد اشتباه قاضی) باید جبران خسارت شود، یا این توضیح که

باشد. در ماده ۳۱۱ قانون مدنی آمده است: «غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر به علت دیگری، رد عین ممکن نباشد باید بدل آن را بدهد.» همانطور که از ظاهر این ماده به راحتی مستفاد است، رد «عین» نسبت به مثل و رد مثل مال نیز نسبت به قیمت مال تلف‌شده، ارجح و مقدم می‌باشند.

برخی از حقوق دانان در مقام بیان دلیل این ارجحیت و تقدم و ترتیب یاد شده معتقدند: «فلسفه تقدم مثل بر قیمت این است که تسلیم مثل مال تلف‌شده بهتر می‌تواند وضع مالک را به صورت نخست درآورد و زحمت یافتن و خریدن مال تلف‌شده نیز بر او تحمیل نمی‌شود. وانگهی، با اندکی مسامحه می‌توان دادن مثل را وسیله بازگرداندن وضع پیشین زیان‌دیده شمرد و آن را در زمره تمهیدهای جبران عینی خسارت آورد. زیرا بنا به فرض، آنچه در اختیار زیان‌دیده قرار می‌گیرد، از حیث منافع اقتصادی و مصرف مانند مال تلف شده است» (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۵۴۱). بدیهی است چنانچه رد مثل، همچون رد عین با تعذر و تعسر همراه باشد، آن‌گاه نوبت «دادن قیمت» مال خواهد بود، هرچند در حال حاضر بر تقدم و تأخر یادشده، توجه چندانی نشده است و «امروز تمایل رویه قضایی بر این است که خسارت به پول ارزیابی شود و دادگاه تأدیه آن را مقرر دارد» (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۵۴۴).

۴-۵. ابهامات و نوآوری‌های قوانین موجود در

خصوص جبران خسارت

مدتها قضاوت از مصونیت مطلق برخوردار بودند؛ اما از نیمه نخست قرن بیستم، نگرش‌ها در این باره متحول شد و به مرور زمان اصل مصونیت بدین مفهوم مورد انتقاد واقع شد و مصونیت از بُعد نسبی برخوردار شد و به تدریج این تحول در قوانین کشورهای مختلف راه پیدا کرد. هم‌چنین در نص قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۱۶۴ و ۱۷۱ قانون اساسی، با الهام از متون روایی و حقوق سایر کشورها، در خصوص مصونیت و مسوولیت قضاوت راه‌حلی میانه پذیرفته شده است. با این همه، به دلیل نبود قانون خاصی در راستای اجرای اصل ۱۷۱ و ضعف رویه قضایی، مسئولیت قاضی و قلمرو آن در حقوق ایران در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد»

از دیدگاه فقها استنباط می‌شود که اگر قاضی تقصیری نداشته باشد، باید جبران خسارت از بیت‌المال صورت بگیرد و اگر تقصیری مرتکب شده باشد قاضی باید جبران خسارت کند. برای مسئولیت مدنی قاضی شرایطی در نظر گرفته شده است. این شرایط

تعیین مبلغ و نوع کیفیت جبران خسارت، با مستفاد از ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، یا دادگاهی است که به دعوی مطروحه رسیدگی می‌کند. هم‌چنین جبران خسارت معنوی با توجه به ماده ۱۰ قانون مذکور، ممکن است به وسیله پرداخت پول یا به هر طریق دیگری که محکمه رسیدگی کننده به دعوی مقتضی بداند صورت گیرد. برای مثال، چنانچه قاضی به صورت غیر قانونی و در اجرای قرار تأمین خواسته، دستور توقیف اتومبیلی را صادر کرده باشد که در واقع متعلق به خواننده دعوی نیست؛ بلکه به شخص ثالث تعلق دارد و شخص ثالث هم با دلایل محکمه-پسند درخواست توقیف از مال توقیف شده را رفع کرده باشد؛ ولی با وجود این، قاضی از آزاد کردن اتومبیل خودداری کرده باشد، بهترین شیوه جبران خسارت، محکومیت قاضی به پرداخت اجرت‌المثل ایام توقیف اتومبیل است (موسوی فراز، ۱۳۹۵، ۱۰۵).
بنابر رأی شعبه دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲ دادخواستی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از اشتباه قاضی در شعبه ۸ دادگستری گنبد کاووس صادر شده است که بنابر این رأی خواستار تأخیر تأدیه و کلیه هزینه‌های دادرسی به رأی اشتباه قاضی شده‌اند. این رأی ناشی از اشتباه قاضی در خصوص خلا قانونی موجود در ماده ۳۳۹ قانون آئین دادرسی مدنی بوده است.

که در آن تقصیر معادل واژه عمد آمده است، درصدد آن برآمدند که مقصود از تقصیر صرفاً حالت تعدد است و از این رو قضاات تنها در صورت تعدد بر اضرار، مسئولیت شخصی دارند و چنین توجیهی را هم منطبق بر فقه و هم بر ضرورت امر قضا قلمداد کرده‌اند. بعضی دیگر بدون اینکه در مفهوم تقصیر تصرفی به عمل آورند در معیار آن تغییراتی به وجود آوردند و بر این باورند که مقصود از قصور، قصور شغلی است و ملاک آن هم قاضی متعارف در همان شرایط حادثه است. با وجود اینکه هر دو توجیه در مقام کاهش شدت و حدت مسئولیت سنگین قضاات جای تقدیر و تمجید دارد؛ ولی توجیه دوم مغایر با اصول و قواعد حقوقی ما است و با این حال کماکان نارسا است. از این رو لازم به ذکر است با اینکه قاضی در صورت قصور از مسئولیت شخصی برخوردار است اما نمی‌توان وی را در مقابل همه مصادیق و انواع تقصیر مسئول دانست، بلکه می‌توان بعضی از انواع تقصیر را در ذیل عنوان اشتباه به‌شمار آورد و در این صورت مسئولیت آن نیز متوجه دولت است.

از دیگر سو، در مورد کلمه قاضی ذیل اصل ۱۷۱ از قانون اساسی مقرر شده است به‌دلیل اینکه مقنن متعلق و موضوع اشتباه را در چارچوب اشتباه در حکم، اشتباه در تطبیق حکم بر موضوع بیان داشته است. بنابراین مقصود از قاضی باید کسی باشد که درصدد حل و فصل اختلاف برآید که به چنین فردی عنوان دادرسی اطلاق می‌شود (من بیده الحکم). افزون بر این، پایه و اساس اصل مزبور روایت مشهوری

شامل: ۱. اتخاذ تضمیم قضایی: از نظر مرجع تضمیم‌گیری و مسئولیت تفاوتی مابین قضاات دادگستری و دادسرا وجود ندارد. ۲. ارتکاب اشتباه یا تقصیر از سوی قاضی به این معنا که اگر قاضی بدون ادله مناسب شخصی را در مرحله مقدماتی جلب کند. ۳. وقوع ضرر. ۴. رابطه سببیت که ایجادکننده یک رابطه بین اشتباه و تقصیر و ضرر وارده است. لازم به ذکر است که اثبات اشتباه قاضی زیر نظر مرجع انتظامی قضاات است. بنابراین شخص زیان‌دیده باید اول برای احراز قصور یا اشتباه شکایت خویش را به محکمه مزبور ارائه کند و چنانچه دعوی مطروحه موفقیت‌آمیز بود، مبتنی بر آن جهت تأدیة ضرر و زیان به محکمه عمومی دادخواست تقدیم کند (اکرامی، ۱۴۰۰، ۴۶).

تقصیر شغلی و حرفه‌ای به خطایی اطلاق می‌شود که صاحبان مشاغل در اجرای کاری که حرفه آن‌ها محسوب می‌شود مرتکب نمی‌گردند، مثل خطای وکیل مدافع در دفاع از دعوی و دادرسی هنگام صدور رأی، خطای پزشک در درمان و یا عمل جراحی، خطای معمار در ساختمان و خطای سر دفتر و مشاور حقوقی در راهنمایی. به دیگر سخن، خطای حرفه‌ای ناشی از نقض اصول و قواعد موضوعی و متعارف در هر شغل است، مثلاً حرفه را به صورت غیر مجاز انجام بدهد. آنچه دکتترین و رویه قضایی تا حدودی بر آن دارای وحدت نظر هستند آن است که تقصیر به مفهوم مذکور در ماده ۹۵۱ الی ۹۵۳ قانون مدنی نیست. عده‌ای با استناد به ماده ۳۳۵ از قانون مدنی

است که از حضرت علی(ع) نقل شده است که می‌فرماید: «ما أخطأت القضاة في دم أو قطع فعلي بيت مال المسلمین» و از آنجا که در آن دوران نهادی به اسم دادسرا وجود نداشت، راهی غیر از حمل قاضی بر قضات دادگاه‌ها نبود. اما با توجه به مشروح مذاکرات بررسی اصل ۱۷۱ که در آن از قضات دادسرا علاوه بر قضات محاکم یاد شده بود و نیز اهمیت جایگاه دادسرا و توجه به قوانین و مقررات کشورهای بنیان‌گذار، حکم مندرج ذیل اصل ۱۷۱ شامل قضات دادسرا هم شده بود و این توجیه مطابق با حکمت وضع اصل مزبور است. مبتنی بر این، مقصود از «حکم» همان مفهوم اصطلاحی و مندرج در آئین دادرسی نیست؛ بلکه منظور از آن شامل تمام تصمیمات و اقداماتی است که از طرف مقامات محکمه و یا دادسرا به اعتبار سمت قضایی آن‌ها اخذ می‌شود.

از جمله ایرادات وارده به مادهٔ ۲۳۵ قانون آئین دادرسی محاکم عمومی و انقلاب در امور کیفری عبارت است از تعارض آن با اصل قطعیت محاکم و حاکمیت امر مختومه. زیرا بر اساس مادهٔ اخیر امکان نقض و بررسی آرای صادره از محاکم صرف‌نظر از محدودیت زمانی وجود داشته و این مسئله سبب متزلزل گشتن آرای صادره از محاکم حتی بعد از اجرای حکم خواهد شد؛ ولی از سوی دیگر مادهٔ مزبور مطابق با اصل عدالت قضایی است و امکان اصلاح احکام اشتباه را صرف‌نظر از وجود هیچ‌گونه محدودیت زمانی فراهم می‌آورد. ایراد دیگری که به

مادهٔ اخیر وارد آمده است، عدم مقید کردن آن به زمان و مهلت است که این امر باعث متزلزل شدن احکام صادرهٔ محاکم خواهد بود. هم‌چنین عدم تجدید تعداد دفعاتی که امکان اعلام اشتباه وجود دارد نیز یکی دیگر از ایراداتی است که به مادهٔ مزبور وارد می‌شود.

قانون ایجاد محاکم عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ و آئین‌های دادرسی مدنی و کیفری آن با مسکوت باقی ماندن هیچ محدودتی در خصوص تعداد بارهایی که امکان اعلام اشتباه وجود دارد قائل نشده است. بدین ترتیب اگر یک مرتبه اعلام اشتباه در مورد رأی صورت گرفته باشد و قاضی که حکم را صادر کرده است و یا قاضی دیگری مجدد متوجه اشتباه در حکم صادره شود، آیا مجدد امکان اعلام اشتباه وجود دارد یا نه؟ از سوی دیگر، یکی دیگر از نقص‌های این ماده، ناممکن بودن توقف اجرای حکم در صورت تشخیص اشتباه است درحالی که اگر بدون خدشه به اصل «عدم توقف اجرای احکام صادره از محاکم» مرجع صالحی تعیین می‌شد تا در صورت مشخص بودن اشتباه و اثبات این مسئله که اجرای رأی اشتباه در بردارندهٔ آثار مخرب و جبران‌ناپذیری است، قادر به متوقف ساختن روند اجرای حکم باشد، بسیار سودمند بود (حبیبی و صالحی‌فر، ۱۳۹۲، ۸۱).

البته باید این نکته را در نظر داشت که فلسفهٔ وجودی مادهٔ مزبور، پیش‌گیری از اجرای احکام قطعی است که محتوای آن مغایر با قانون باشد و بر مبنای اشتباه صادر شده باشند و چنین پایه و اساسی برخلاف

همچنین مستندات حقوقی از قبیل ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی، اصل ۱۲۱ قانون اساسی، ماده ۲۱۱ قانون آئین دادرسی کیفری و نیز ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی حاکی از آن است که قاضی شخصاً به‌موجب قصور در اصدار رأی به ناحق، به‌عنوان مسئول شناخته شود و در دو حوزه مدنی و کیفری در مقابل زیان‌دیده مسئول خواهد بود.

۶. نتیجه‌گیری

بنابر اصل ۱۷۱ قانون اساسی می‌توان گفت از نظر حقوقی، مسئولیت قاضی با اثبات تقصیر است. یعنی بزه‌دیده برای احقاق حق خود باید تقصیر قاضی را ثابت کند و به‌صرف اینکه خطای قاضی ثابت شود از بیت‌المال خسارت بزه‌دیده را پرداخت کند. بنابر موضوعات فقهی و دیدگاه فقها در خصوص اشتباه قاضی در تعیین مجازات می‌توان گفت که اگر خطا غیر عمد باشد خسارت از بیت‌المال پرداخت می‌شود و اگر خطای صورت گرفته عمدی باشد ضمان با خود قاضی است؛ یعنی قاضی خود ملزم به جبران خسارت است. در قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی قاضی و دولت ملزم شده‌اند که به پرداخت خسارت مادی یا معنوی بزه‌دیده بپردازند. خسارت‌های مادی یعنی خسارت‌هایی که ناشی از بین رفتن اموال و کاهش ارزش آن می‌باشد.

جبران خسارت توسط قاضی را می‌توان بر اساس قواعد مسئولیت مدنی تحلیل کرد. یعنی اگر قاضی در صدور احکام اشتباه کند باید فرد را به وضعیت

اینکه می‌تواند متزلزل شدن آرای صادره را در پی داشته باشد؛ مطابق با اصل انصاف و عدالت است و دستگاه قضا را در راستای انجام تکالیف خود یعنی احیای حقوق عامه و توسعه عدل و آزادی‌های مشروع که ذیل اصل ۱۵۶ قانون اساسی مقرر شده‌اند سوق خواهد داد.

در نتیجه مطالعه سیستم‌های گوناگون حقوقی، این مسئله قابل دریافت است که علی‌الاصول قضات از مصونیت قضایی بالایی برخوردارند و کمتر می‌توان علیه آن‌ها به دلیل تصمیم قضایی طرح شکایت کرد. اما در سیستم حقوقی کامن‌لا چنین مصونیتی به صورت مطلق است و فقط در خصوص رسیدگی خارج از صلاحیت قضایی این مصونیت مطرح نیست. درباره سیستم حقوقی کشور فرانسه و سیستم حقوقی امامیه شایان ذکر است که مصونیت قضایی در خصوص خطای سبک قضات است و در مورد خطای سنگین و تقصیر مسئولیت مدنی دارند. البته بر اساس قانون اساسی کشور ایران و قانون مجازات اسلامی تنها تصمیمات ناشی از تقصیر سبب مسئولیت مدنی شخص قاضی می‌شود (حیدری، ۱۴۰۰، ۶۰).

به‌اجرا درآمدن حق و عدالت اجتماعی در نظام قضایی اسلام به‌مثابه یک اصل ارائه شده است؛ ولی گاه بر اثر تصمیم‌های مبتنی بر قصور شخص قاضی، اضرائی متوجه زیان‌دیده می‌شود که مستندات فقهی از قبیل آیات، احادیث، قواعد فقهی نظیر قاعده لاضرر و قاعده وزر گویای قبول اصل مسئولیت قانونی قاضی است و

حقوق‌دانان در این باره اجماع نظر دارند. پیشنهاد می‌شود که برای حمایت از جامعه و همچنین نظارت‌پذیری بر رفتار قضات، قانون‌گذار به یک وحدت ملاک درباره تعیین مجازات اشتباه توسط قضات برسد و به تفاسیر مختلف در این خصوص پایان بخشد.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

سابق بازگرداندن و چنانچه اعاده به‌وضع سابق امکان‌پذیر نبود، آن‌گاه مطالبه خسارت مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول وجود دارد.

امکان مطالبه خسارت مالی با استناد به قوانین و مقررات و آرای صادر شده امکان‌پذیر است؛ زیرا هدف مسئولیت جبران خسارت است و مصونیتی برای قضات وجود ندارد.

هم‌چنین در خسارت معنوی صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی، از بین رفتن آبرو و حیثیت بزه‌دیده است که نظرات مختلفی در مورد خسارت‌های معنوی و مادی وجود دارد. در این پژوهش پرسش‌هایی مطرح شد که در پاسخ به آن‌ها در نتیجه‌گیری می‌توان گفت بنابر قانون آئین دادرسی کیفری جدید و رأی وحدت رویه ۷۹۱ امکان مطالبه خسارت مالی در تعیین مجازات اشتباه برای بزه‌دیده وجود دارد. قبل از رأی وحدت رویه ۷۹۱ تفاسیر مختلفی وجود داشت مبتنی بر اینکه مطالبه خسارت صرفاً در صدور آرای حقوقی است و یک تفسیر دیگر اینکه جبران خسارت در مرحله مقدماتی مقدور است؛ اما در حال حاضر با وحدت ملاک از رأی وحدت رویه ۷۹۱ می‌توان گفت که خسارت مادی در مرحله تعیین مجازات برای بزه‌دیده وجود دارد و بنابر قواعد مسئولیت، قاضی مکلف به جبران ضرر مادی و معنوی بزه‌دیده است.

در پاسخ به پرسش مطرح‌شده دیگر می‌توان گفت که از نظر فقهی و قانونی مستندات جبران خسارت مادی و معنوی برای بزه‌دیده بیان شده است و فقها و

منابع

- اسدی، لیلا، «اشتباه قاضی و نحوه جبران خسارت، فقه و حقوق خانواده»، مجله ندای صادق، شماره ۲۵، ۱۳۸۱.
- ابهری، حمید، مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۰.
- اکرامی، رحیم، «مبانی فقهی و حقوقی جبران خسارت از سوی حکمت در خطای قاضی»، مجله علمی رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، شماره ۳۷، ۱۴۰۰.
- باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، جلد دوم، چاپ دهم، نشر میزان، ۱۴۰۱.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهاردهم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دوره حقوق مدنی، حقوق تعهدات، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۶.
- چنارستان علیا، سیدمسلم، علی جمادی، «مسئولیت و مصونیت قاضی اشتباه قاضی و جبران خسارت در حقوق کیفری ایران»، کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی، شیراز، مرکز توسعه آموزش- های نوین ایران، ۱۳۹۴.
- حیدری، محمدداود، «مسئولیت مدنی قاضی و مبانی آن با تطبیق در حقوق افغانستان»، دو فصلنامه یافته‌های فقهی معارفی، دوره ۱، شماره ۲، ۱۴۰۰.
- حبیبی، سعید؛ صالحی‌فر، علیرضا، «رویکردهای جبران خسارت ناشی از خطاهای مدنی مرگ‌آفرین:
- مطالعه تطبیقی در حقوق مسئولیت مدنی ایران و ایالات متحده آمریکا»، دوره ۴، شماره ۱، ۱۳۹۲.
- خوانساری، سید احمدبن یوسف، جامع‌المدارک فی شرح مختصر النافع، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ق.
- خویی سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال، بی‌جا، بی‌تا.
- داراب‌پور، مه‌راب، مسئولیت‌های خارج از قرارداد: پرداخت خسارت، استرداد عین و امتیازات، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۷.
- شمس، عبدالله، آئین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۹۱.
- صفایی، حسن، مفاهیم و ضوابط جدید در حقوق مدنی، چاپ اول، تهران، مرکز تحقیقات، ۱۳۵۵.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، ملحقات عروه الوتقی، نجف اشرف، چاپ حیدریه، ۱۳۳۹ق.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- عزیزاللهی، حجت؛ تولایی، علی؛ فرزانه وشاره، معین؛ محمدحسین‌زاده، عبدالرضا، «مبانی فقهی جبران خسارت از سوی حکومت در خطای قاضی»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۴، ۱۳۹۷.

- عاملی (شهید اول)، محمدبن مکی، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، جلد ۲، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.

- غمامی، مجید، مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶.

- قاسمزاده، سید مرتضی، الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، جلد ۶، چاپ دهم، نشر میزان، ۱۳۹۵.
- کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، نشر مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

- کاتوزیان، ناصر، دورهٔ مقدماتی حقوق مدنی اعمال حقوقی، جلد ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۴.

- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، تهران، انتشارات سهامی انتشار، چاپ هفتم، ۱۴۰۲.
- موسوی فراز، سیدحامد، تبیین مسئولیت مدنی قضات ناشی از صدور رأی در پرتو رویهٔ قضایی ایران، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد دانشگاه شاهد، دانشکدهٔ علوم انسانی، ۱۳۹۵.

- محقق داماد، سیدمصطفی، بخش مدنی، چاپ سوم، نشر علوم الاسلامی، ۱۳۷۰.

- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد ۴۳، چاپ هفتم، مؤسسهٔ النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۳۲ق.

